فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال نهم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱
پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

مفهوم‌یابی کیفی واژه «نور» از متن قرآن کریم و معادل‌سازی آن در کالبد فضای عبادی*

فرزاد حیدری** محمد علی‌آبادی*** حسین کلانتری خلیل‌آباد****

چکیده

تجلی متافیزیک نور بر فیزیک بنا، آن را اصلی‌ترین محور زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در عرفان و معنا قرار داده است. نور در معماری سنتی و در فرهنگ اسلامی، نمادی از خداوند و وحدت الهی است؛ به همین خاطر، جایگاهی خاص در معماری فضاها به‌خصوص فضاهای مذهبی مانند مساجد دارد. امروزه در مساجد معاصر، کمتر به مقوله نور به‌عنوان یک عنصر هویت‌بخش توجه شده است. هدف از نگارش این مقاله، شناسایی خصوصیات کیفی نور (طبیعی) بر اساس متون قرآنی در راستای تحقق‌پذیری فضای معنوی است. قرآن به‌دلیل جامعیت خود، نقش محوری در رابطه با علم و دین دارد. لذا با ملحوظ نگه داشتن ظاهر و باطن قرآن و تدبر در آن، می‌توان به لایه‌های درونی مفاهیم قرآنی رسوخ کرد و در دانش امروزی از این مفاهیم بهره برد. واژه "نور"، یکی از واژه‌های مهم قرآن است و کاربردهای مختلف آن در آیات قرآنی، شبکه شعاعی گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند. در راستای تحقق این امر، تحقیق حاضر، از دو بخش تشکیل یافته است؛ بخش اول، مفهوم‌یابی کیفی برای واژه نور از آیات قرآنی که به روش تحلیل محتوا با رویکرد استنباطی-اجتهادی صورت گرفته و نتیجه آن، استخراج مؤلفه‌های کیفی "اصل آیتی"، "اصل هدایت"، "اصل عدالت" و "اصل تعالی" است. بخش دوم، مربوط به معادل‌سازی این مفاهیم در کالبد فضای عبادی است که در این قسمت، از روش‌های پیمایشی (زمینه‌یابی) و هم‌بستگی استفاده شده و نتیجه این بخش از تحقیق این است که هر یک از این مفاهیم با نمودهای عینی، قابل حصول در کالبد مسجد هستند. بدیهی است که با حضور کیفی نور (طبیعی) در فضای عبادی، مفاهیم عینی و ذهنی در فضا به‌وجود آمده‌اند و باعث حس معنویت (سیر از ظاهر به باطن) توسط مخاطب شده و در نهایت، افزایش تعلق به مکان مقدس را منجر خواهد شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که کاربر فضای عبادی، تجلی مفاهیم مذکور در فضای عبادی را به‌شرط رعایت الگوهای مشخص‌شده در تحقیق حاضر، آشکارا درک می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تدبر، نور کیفی، فضای عبادی، معنویت

---

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری فرزاد حیدری با عنوان «روان‌شناختی نور طبیعی در فضای عبادی (مسجد) با رویکرد روان‌شناسی معنوی (مطالعه موردی: مساجد دوره قاجاریه شیراز)» به راهنمایی دکتر محمد علی‌آبادی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج در حال انجام می‌باشد.

** دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج Farzad_arcit@yahoo.com
*** استادیار، گروه معماری، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) aliabadi@shirazu.ac.ir
**** دانشیار، گروه معماری و منظر شهری، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، تهران H_kalantari2005@yahoo.com

مقدمه

«الله نورالسموات و الارض...» (نور: ۳۵)؛ نور، بازتاب و جلوه ذات حق‌تعالی بر روی این کره خاکی است. معماری سنتی ایران با استفاده از عناصر بسیار ساده، همیشه سعی در تجلی این ماهیت وجودی خداوند دارد و این تجلی را می‌توان به‌کرات و به‌گونه‌ای زیبا و در خور مساجد و خانه‌های سنتی مشاهده کرد. "نور"، عامل اصلی انتقال احساسات و ادراکات گوناگون از محیط و فضاهای پیرامون به انسان است. در مساجد، نور علاوه بر جنبه عملکردی، به‌عنوان نمادی عرفانی و نشانه‌ای از حضور خداوند تلقی می‌شده که حس خشوع و فروتنی آدمی را در پیشگاه پروردگار خود برمی‌انگیزد.

استفاده از نور طبیعی، ساختار ایده‌های طراحی معماری تاریخی را فراهم ساخته و به‌طور کلی، فراتر از جنبه‌های کمی آن، استفاده از قابلیت‌های کیفی نور در خلق برخی از آثار ارزنده معماری، تأثیر فراوانی داشته است. زمانی که از نور به‌عنوان تجلی رمزگونه از وحدت و انوار الهی در مساجد بهره گرفته شده، اهمیت توجه به کیفیت‌بخشی حضور نور افزوده می‌شود. عاملی که جای خالی آن در معماری مساجد معاصر به چشم می‌خورد، شیوه به‌کارگیری کمیت و کیفیت نور طبیعی برای دست‌یابی به معنویت‌بخشی فضای مساجد معاصر است.

"نور"، اصلی‌ترین عامل کیفیت، پویایی و سرزندگی فضای معماری ایران است که می‌تواند برای القای حسی خاص در انسان مورد استفاده قرار گیرد. به کمک این عنصر محیطی، ادراک بصری در فضای معماری به ادراک معنوی تبدیل می‌شود. از آنجا که نور مترادف معنوی برای "وجود الهی" است، لذا شناخت وجوه متعدد کیفی نور (روز) در فضای عبادی سبب می‌شود انسان، خداوند را به‌عنوان برترین محبوب و بهترین حامی خود درک نماید. به این ترتیب، در سایه این معرفت و شناخت، مناسبات انسان با خویشتن، طبیعت و هم‌نوعان خود، نسبتی محبت‌آمیز، مهرورزانه، پرمعنا و عمیق خواهد بود و در نتیجه، انسان زندگی را با امید، شادی و آرامش بدون هراس از مرگ در راه رشد و تکامل معنوی پیش خواهد برد (احمدخانی ملکی، ۱۳۹۵: ۵۸).

در این پژوهش سعی شده با استفاده از روش‌های تحقیق متعدد، مفاهیم مستتر واژه "نور" از آیات قرآنی استخراج شده و با مفاهیم کمی هم‌ارز با آنها توسط مؤلفه‌های "نور" و "نورگیر" در فضای عبادی معرفی شوند. نتایج حاصل از این تحقیق کمک خواهند کرد که نقش این عنصر مهم در طراحی‌های امروزی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بنابراین بررسی این موضوع از آن جهت ضرورت می‌یابد که در اماکن مذهبی معاصر، استفاده از نور طبیعی صرفاً به استفاده کمی از آن تنزل یافته و از به‌کارگیری جنبه‌های کیفی آن غفلت شده است.

پیشینه پژوهش

قرآن مجید، جامع‌ترین و کامل‌ترین معارف وحیانی را در خود جای داده است. دست‌یابی صحیح و روشمند به آموزه‌های این کتاب آسمانی، با توجه به ویژگی‌های خارق‌العاده آن، روش‌شناسی خاص خود را طلب می‌کند و فهم درست آن، نیاز به تبیین دقیق و کامل مبانی، روش‌ها و مراحل فهم و تفسیر این کتاب الهی دارد. تا جایی که نگارندگان بررسی نموده‌اند، در زمینه مفهوم‌یابی از طریق قرآن کریم، کتاب یا مقاله مستقلی تألیف نشده است، اما مقالاتی مجزا درباره معناشناسی قرآن به‌صورت کلی تألیف شده‌اند. یکی از کارهای ابتدایی انجام‌یافته در حوزه مفهوم‌یابی از طریق قرآن کریم و کاربست آن در فضای معماری، پژوهش صورت‌گرفته توسط احمدخانی ملکی (۱۳۹۵) با عنوان "مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی حضور نور روز در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت‌بخشی به فضا" بوده که در این کار تحقیقی، واژه "نور" از طریق تدبر و تقطیع آیه ۳۵ سوره نور، به استخراج هفت مفهوم بنیادی منتهی شده است. اما در قدمی نو در تحقیق حاضر، نگارندگان در نظر دارند از طریق تدبر متن‌گرایانه و استفاده از قاعده ادبی "سیاق"، به مفهوم‌یابی واژه "نور" در کلیه آیاتی که در آن کلمه نور به‌کار رفته است پرداخته و این مفاهیم را برای کاربست در معماری فضای عبادی (مسجد) معرفی نمایند.

روش‌شناسی

بخش اول: مفهوم‌یابی کیفی واژه "نور" از آیات قرآنی

در جهان‌بینی هر مکتب فلسفی، عناصری اصلی وجود داشته که نقشی اساسی در نگرش آن مکتب به جهان دارند. قرآن به‌عنوان یک کتاب دینی که مبنای یک فرهنگ اصیل را تشکیل داده، دارای مفاهیم عمده‌ای است که نگرش قرآنی را نسبت به جهان نشان می‌دهند. این مفاهیم در این کتاب الهی، به‌صورت واژه‌های کلیدی جلوه می‌کنند که "نور" از جمله این کلیدواژه‌ها است. خداوند در قرآن به‌طور مکرر، انسان را به تفکر و اندیشه در خلقت و عظمت آسمان‌ها و زمین و موجودات آن و رازهای هستی توصیه می‌نماید. البته در آیات قرآن وقتی دعوت به تفکر و تدبر می‌شود، نتیجه مطلوب، ایجاد یک نگرش انقلاب‌گونه است؛ نگرشی

که فقط برای مؤمنین، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود. لازم به یادآوری است که تدبر در قرآن، دستور همگانی بوده و اختصاص به مفسران و دانشمندان ندارد. هر کس به اندازه خرد خود می‌تواند از خرمن اندیشه قرآن خوشه‌ای بچیند و بهره‌ای ببرد که این خود زمینه توسعه علم و اندیشه قرآنی و عمل قرآنی خواهد بود. تدبر در قرآن تا جایی که دستاویز توجیه هواهای نفسانی و موجب خروج از عقلانیت نشده باشد، مصداق و تفسیر به رأی نبوده و همه مؤمنان مکلف به اجرای آن هستند.

یکی از روش‌های مناسب جهت تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها، استفاده از روش تحلیل محتوا است. روش تحلیل محتوا با تجزیه‌وتحلیل مفاهیم و گزاره‌های استخراج‌شده از متن، جهت‌گیری و نقش هر کدام را بیان کرده و چارچوب حاکم بر آنها را کشف می‌کند. تحلیل محتوا در حقیقت، فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوا بوده و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از؛ قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و امثال آنها بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹).

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، علت برگزیدن روش تحلیل محتوا برای تحقیق حاضر است. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، دارای ظاهر و باطن بودن آن است که تا چندین لایه درونی ادامه می‌یابد. به‌نظر می‌رسد یکی از روش‌های تحقیق مناسب و علمی برای کشف لایه‌های درونی ظواهر آیات قرآن، تحلیل محتوای کیفی کلام باشد.

نگارندگان در روش یادشده، از رویکرد "استنباطی-اجتهادی" استفاده می‌نمایند. هر چند که اجتهاد به‌عنوان امری فقهی، اختصاص به مجتهدین و فقها دارد و از حیطه اختیارات و تخصص نگارندگان خارج است، اما به‌عنوان یک ایده و یک مفهوم رفتارساز می‌تواند الهام‌بخش در اتخاذ روشی برای تحقیق باشد (نقیب، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

برای استفاده از این رویکرد، پیش‌فرض‌هایی را باید پذیرفت. این پیش‌فرض‌ها عبارت هستند از:

الف) قرآن کریم، کتاب هدایت و راهنمای همه انسان‌ها در طول تاریخ است و اختصاص به عصری خاص یا اقلیمی مخصوص و نژادی ویژه ندارد.

ب) زبان قرآن، زبانی دو لایه است (زرکشی، ۱۴۱۰ ق.: ۱۱۰) که زبانی در ظاهر و زبانی در باطن دارد (ذو بطون بودن قرآن)؛ زبان ظاهر قرآن، ناطق و زبان باطن آن، صامت است. در این سو، ظاهر قرآن برای همه قابل‌درک است و در سوی دیگر، باطن قرآن بر همه قابل‌کشف نیست. لذا معنای باطنی نباید به‌گونه‌ای تصور شود که از دایره حجیت بین خدا و بندگان خارج شود؛ به‌عبارتی‌دیگر، آنچه باطن پنداشته می‌شود، باید بتواند به‌گونه‌ای یقین‌آور به‌عنوان مراد خداوند تلقی شود. معانی قرآن کریم دارای مراتبی بوده که بر حسب اختلاف مراتب و مقامات افراد، این معانی متفاوت هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

ظاهر قرآن کریم، قابل‌درک و فهم است و این قابلیت فراگیر بوده و شامل همه عبارات قرآنی می‌شود. خلاصه این‌که بحث باطن قرآن، یک بحث زبان‌شناسی و معناشناسی و مربوط به ظرفیت‌های یک زبان در حمل چند لایه از یک معنا در الفاظ یک جمله است. باطن متناقض با ظاهر نیست؛ بلکه نهفته در ورای ظاهر است. راه کشف باطن، عبارت است از ظاهر. هر چند لایه‌هایی از کلام الهی و سطوحی از معانی احکام فقهی به‌طور حتم در اختیار معصومین (ع) هستند، ولی بشر عادی نباید از فهم حداقل سطوحی از باطن شریعت، محروم بماند.

ظاهر و باطن در حوزه الفاظ، هر دو از جنس معنا و مفهوم بوده و هرگز نمی‌توانند متناقض یا متضاد با هم باشند؛ زیرا در این صورت، هیچ قاعده‌ای برای کشف معنای باطنی نمی‌توان پیدا کرد و نتیجه کار، همان هرج و مرج تفسیری باطنیان در سده‌های گذشته می‌شود.

با توجه به پیش‌فرض‌های ذکرشده، روش تحقیق در این بخش از پژوهش بر حسب نوع داده‌های مورد استفاده، کیفی، بر حسب نتیجه، کاربردی و بر حسب هدف، اکتشافی است. در این پژوهش با توجه به ضرورت استنباط از اصلی‌ترین منبع اجتهاد دینی یعنی قرآن کریم، از بین راهبردهای مختلف پژوهش کیفی؛ از راهبرد "تحلیل محتوا مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی" بهره برده شد. بر این اساس، مدلی برای اجرای پژوهش در رویکرد استنباطی-اجتهادی همچنان‌که در شکل ۱ ارائه شده است، معرفی می‌شود.

دو نکته در راستای هدف این تحقیق وجود دارد: نکته اول این‌که؛ این شیوه به هیچ وجه درصدد تفسیر قرآن نیست، بلکه روشی برای استفاده در جهت تفسیر قرآن است. نکته دوم این‌که؛ این ادعا وجود ندارد که در این شیوه به تمام مؤلفه‌های معنایی نور دست یافته می‌شود، چرا که نور ذو مراتب و یک امر تشکیکی است. ادعا و هدف این است که به شیوه‌ای نو به بحث درباره واژه‌های مهم که مورد مناقشه بسیاری است از منظر قرآن پرداخته شود؛ تا از طرفی مورد استفاده قرار گرفته و از طرف دیگر همین شیوه، مورد نقد و بررسی بیشتر واقع شود. در همین راستا برای پیدایش زمینه مقدماتی، با توجه به پیش‌فرض تحقیق مبنی بر حقانیت و جامعیت قرآن کریم و بیان آموزه‌های مورد نیاز برای زندگی دنیا و آخرت انسان در این کتاب آسمانی، پیشاپیش، کفایت

نظری نمونه‌گیری با بررسی آیات مورد اشاره در تفاسیر، در حوزهٔ "نور"، مفروض است. بررسی‌ها نشان داده که متخصصان علوم انسانی در طول ۱۴ قرن گذشته، تفاسیر متعددی را با رویکردهای مختلف روایی، فلسفی، سیاسی، فقهی، کلامی، تربیتی، ادبی، اجتماعی و... به رشته تحریر درآورده‌اند. پس از بررسی ویژگی‌های برخی از تفاسیر مطرح شیعی و کسب نظر صاحب‌نظران و خبرگان، به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، دو تفسیر نور[1] (قرائتی، ۱۳۸۳) و تفسیر راهنما[2] (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷) به‌عنوان منبع اصلی گردآوری داده‌ها انتخاب شدند.

بر همین اساس، ابتدا بر اساس تفسیر راهنما که حاصل تلاش آیت‌الله رفسنجانی و مجموعه‌ای از پژوهشگران است، فهرست آیاتی که مرتبط با پژوهش حاضر بوده، شناسایی و استخراج شد. در ادامه نیز با استفاده از مجموعهٔ دوازده جلدی تفسیر نور که حاصل تلاش حجت‌الاسلام قرائتی و مجموعه‌ای از پژوهشگران است، مضامین استخراج‌شده، تکمیل و بهبود یافتند. همچنین به‌منظور اعتبارسنجی مفاهیم مستخرج از آیات، به تفسیر المیزان اثر علامه طباطبایی (۱۳۶۷) مراجعه شد.

بر اساس پردازش اطلاعات صورت‌گرفته توسط نگارندگان، در بیست سوره قرآن، به واژه "نور" اشاره شده است. مجموع آیاتی که در آنها واژه "نور" به‌کار رفته و همچنین مفهومی که واژه "نور" داشته، ۳۳ آیه بر اساس جدول ۱ است. در ادامه، نگارندگان با گرایش متن‌گرایانه و تدبر در جملات این آیه‌ها نسبت به استخراج مفاهیم "نور"، بر اساس قاعده "سیاق" عمل نموده‌اند. سیاق به‌عنوان مبنای اصلی ساخت کلام، نقش عمده‌ای در فهم مراد متکلم دارد؛ از همین‌رو سیاق، مطمئن‌ترین و مهم‌ترین ابزار مفسر و مترجم برای فهم آیات قرآنی است. بر این اساس، فهم آیات بدون توجه به جهت‌گیری کلی آیات و سیاق و آهنگ جملات، جز لغزش و دوری از مقصود قرآن، نتیجه دیگری ندارد. از سویی دیگر، با مقایسه مفاهیم مختلف می‌توان زمینه‌های مشترک بیشتری را در میان آنها کشف کرد که حاصل این مرحله از فرآیند تحقیق، شکل‌گیری مؤلفه‌های معنایی نور است که در جدول ۲ بیان شده‌اند. در تحقیق حاضر، مؤلفه‌های معنایی شکل‌گرفته، با عنوان "مفاهیم کیفی نور" معرفی می‌شوند.

بنابراین، مدل مفهومی این بخش از تحقیق، به‌صورت شکل ۲ تعریف می‌شود.

بخش دوم: معادل‌سازی برای مفاهیم کیفی "نور" در فضای عبادی

مکان، یک مفهوم عینی و ذهنی است که مفاهیم آن می‌توانند در کالبد بنای معماری جلوه‌گر شوند. نور، بیشترین تأثیر بصری در ایجاد گسیختگی فضای مقدس از فضای بیرون را دارا است و به‌عنوان یک متغیر مستقل، بر هر دو جنبه مفاهیم یک مکان مقدس تأثیر می‌گذارد. به‌عبارت‌دیگر، توجه به نور و فلسفه آن در مساجد می‌تواند کالبد عینی مساجد

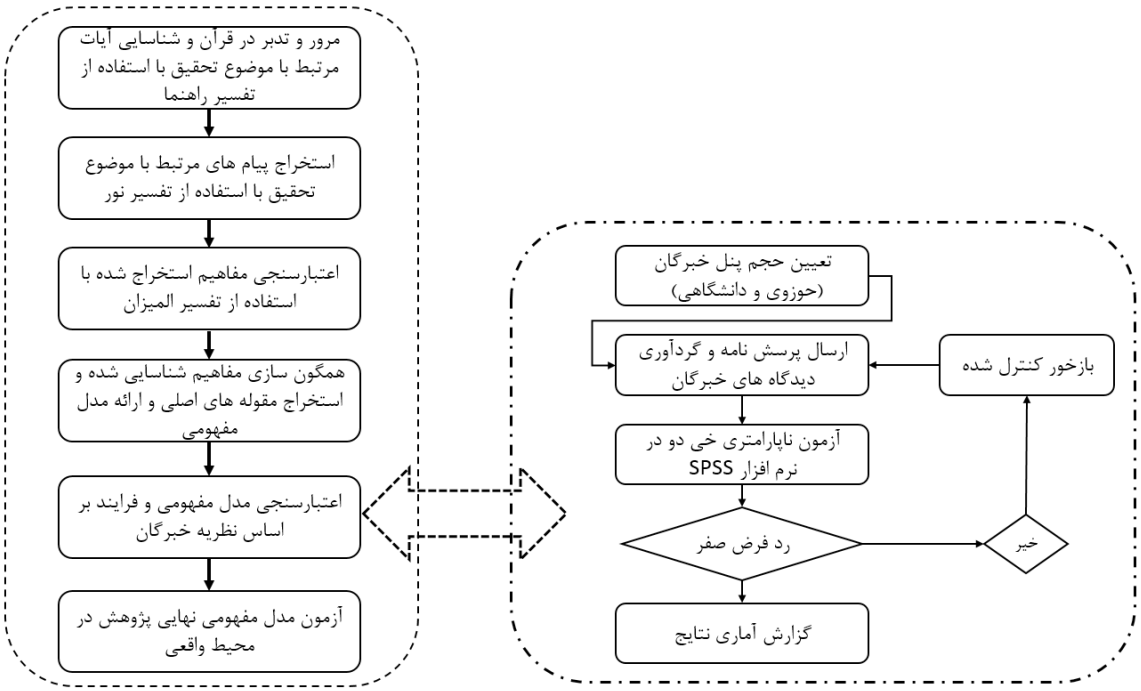

شکل ۱. مدل انجام تحقیق با رویکرد استنباطی-اجتهادی (نگارندگان)

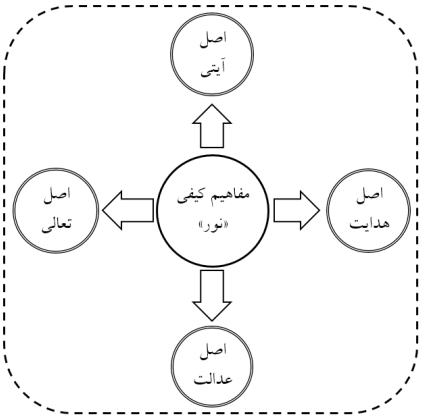

شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق از "نور کیفی" (نگارندگان)

را به مفاهیم عمیق ذهنی و معنوی نزدیک کرده و معماری مسجد را به سمت معماری یک مکان مقدس که نمایانگر وجود الهی است، سوق دهد. در هر بنایی که مفاهیم نقش قابل‌توجهی دارند، معماری می‌تواند نمودبخش این معانی باشد. چنانچه این تجلی به‌نحو احسن انجام یابد، ابعاد بیشتری از وجود انسان درگیر شده و معماری به هدف نهایی خود نائل خواهد آمد. در بنایی چون مسجد که جنبه‌های معنایی نقش به‌مراتب مؤثرتری دارند، توجه به آنها، بناها را در ذهن مخاطب دلنشین‌تر جلوه داده و او ناخودآگاه در انتخاب فضای عبادت از بین چند گزینه، به نمونه‌ای روی خواهد آورد که

جدول ۱. آمار توصیفی از واژه "نور" و مفاهیم آن در سوره‌ها و آیات قرآن

ردیف	نام سوره	شماره آیه/ آیه‌ها	مفاهیم	ردیف	نام سوره	شماره آیه/ آیه‌ها	مفاهیم
۱	نور	۳۵ و ۴۰	وجود الهی، رحمت واسعه الهی	۱۱	شوری	۵۲	رشددهنده معرفت بشری
۲	صف	۸	هدایت دائمی	۱۲	نوح	۱۶	قدرت لایزال الهی
۳	توبه	۳۲	هدایت دائمی	۱۳	یونس	۵	ربوبیت الهی
۴	زمر	۲۲ و ۶۹	رحمت واسعه الهی، عدل الهی در حسابرسی	۱۴	اعراف	۱۵۷	رحمت واسعه الهی
۵	مائده	۱۵، ۱۶، ۴۴ و ۴۶	هدایت هدفمند، هدایت هدفمند، عدل الهی در حسابرسی، هدایت دائمی	۱۵	احزاب	۴۳	رحمت واسعه الهی
۶	حدید	۹، ۱۲، ۱۳، ۱۹ و ۲۸	هدایت تدریجی، ایمان و عمل صالح الهی، ایمان و عمل صالح الهی، عدل الهی در ثواب و عقاب، رحمت واسعه الهی	۱۶	طلاق	۱۱	هدایت هدفمند
۷	بقره	۱۷ و ۲۵۷	هدایت دائمی، هدایت هدفمند	۱۷	ابراهیم	۱ و ۵	هدایت هدفمند، قدرت لایزال الهی
۸	تحریم	۸	ایمان و عمل صالح الهی	۱۸	تغابن	۸	هدایت تدریجی
۹	نساء	۱۷۴	هدایت هدفمند	۱۹	فاطر	۲۰	ایمان و عمل صالح الهی
۱۰	انعام	۱، ۹۱ و ۱۲۲	حقیقت واحد الهی، رشددهنده معرفت بشری، ایمان و عمل صالح الهی	۲۰	رعد	۱۶	حقیقت واحد الهی

(نگارندگان)

جدول ۲. مفاهیم کیفی نور مستخرج از قرآن کریم

ردیف	مفاهیم	مؤلفه‌ها
۱	وجود الهی- ربوبیت الهی- قدرت لایزال الهی- حقیقت واحد الهی	اصل آیتی
۲	هدایت تدریجی- هدایت دائمی- هدایت هدفمند	اصل هدایت
۳	عدل الهی در حسابرسی- عدل الهی در ثواب و عقاب	اصل عدالت
۴	رحمت واسعه الهی- ایمان و عمل صالح الهی- رشددهنده معرفت بشری	اصل تعالی

(نگارندگان)

بتواند این توجه را در آن نمونه، جلوه‌گر بیند. نور به‌عنوان صورتی از معنا و نمادی از وجود خداوند، جایگاه مهمی در تبلور این مفاهیم دارا است و چگونگی ظهور آن، به درک بهتر حضور یاری خواهد رساند.

هر یک از مفاهیم ذکرشده برای نور کیفی که برگرفته از مبانی نظری پژوهش است، می‌تواند در قالب نقش‌های مؤثر تعریف‌شده، بیانگر متغیرهای کیفی باشد که در صورت نمودبخشی معمارانه و عینی نمودن مفاهیم مذکور، قابل‌سنجش در حیطه متغیرهای کمی هم‌ارز است. همان‌گونه که بیان شد، مفاهیم این پژوهش در چهار حوزه؛ "اصل آیتی"، "اصل هدایت"، "اصل تعالی" و "اصل عدالت" قابل‌ارزیابی هستند.

به‌منظور معادل‌سازی معمارانه برای مفاهیم مذکور، دو حوزه ارزیابی میدانی و اخذ نظر متخصصین شکل گرفته و برآیند نتایج آنها، بیانگر معادل‌سازی اولیه پژوهش بوده است. پس از ارزیابی میدانی مساجد دوره قاجاریه شیراز، در قالب نظام توزیع نور، نوع نور، رنگ نور، نظام توزیع نورگیر، نوع نورگیر، ابعاد نورگیر و جبهه قرارگیری نورگیر، تحلیل اولیه معمارانه توسط محقق انجام یافته و مورد ارزیابی چند متخصص معمار قرار گرفته که منظور از ارزیابی متخصصین، تأییدی در حد تحلیل روایی پرسش‌نامه در مطالعات مبتنی بر ارزیابی انسانی است. به بیان ساده‌تر، پس از واکاوی مفاهیم با تکیه بر ادبیات نظری و مطالعات میدانی، دیاگرام استنتاج متغیرها، به چند استاد معماری ارائه شده و برآیند نظرات آنان، رفع‌کننده ابهامات و نهایتاً مؤید معادل‌سازی معمارانه برای نقش‌های مؤثر نور شده که روند معادل‌سازی برای درک بهتر، در شکل ۳ نشان داده شده است. در نهایت، سؤالاتی مبنی بر نمودهای نهایی مستخرج از پژوهش تنظیم شده و به کاربران مساجد منتخب ارائه شده تا یافته تحقیق را تأیید و یا رد نموده و فرضیه پژوهش را واکاوی نمایند.

نگارندگان برای عینی‌سازی مفاهیم کیفی هفت‌گانه نور در کالبد معماری، حضور نور را در فضای عبادی، وابسته به حضور هماهنگ و متناسب و هم‌زمان "نور" و "نورگیر" می‌دانند. بر این اساس، "نور" با عوامل وابسته به خود؛ نحوه حضور نور، رنگ نور و نظام توزیع نور و "نورگیر" با عوامل وابسته به خود؛ نحوه حضور نورگیر، ابعاد نورگیر، جبهه نورگیر و نظام توزیع نورگیر، دسته‌بندی می‌شوند. در این تحقیق، عوامل وابسته به نور، "عوامل آسمانی" و عوامل وابسته به نورگیر، "عوامل زمینی" نام‌گذاری می‌شوند. "عوامل آسمانی" دارای سه متغیر و "عوامل زمینی" دارای چهار متغیر بوده که روی هم، هفت متغیر را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که عدد "هفت"، نخستین عددی بوده که هم مادی و هم معنوی است؛ یعنی از مجموع عدد سه (نماد آسمانی) و عدد چهار (نماد زمینی) به‌دست می‌آید و این امر با دسته‌بندی عوامل آسمانی و عوامل زمینی تحقیق حاضر مطابقت دارد. بر این

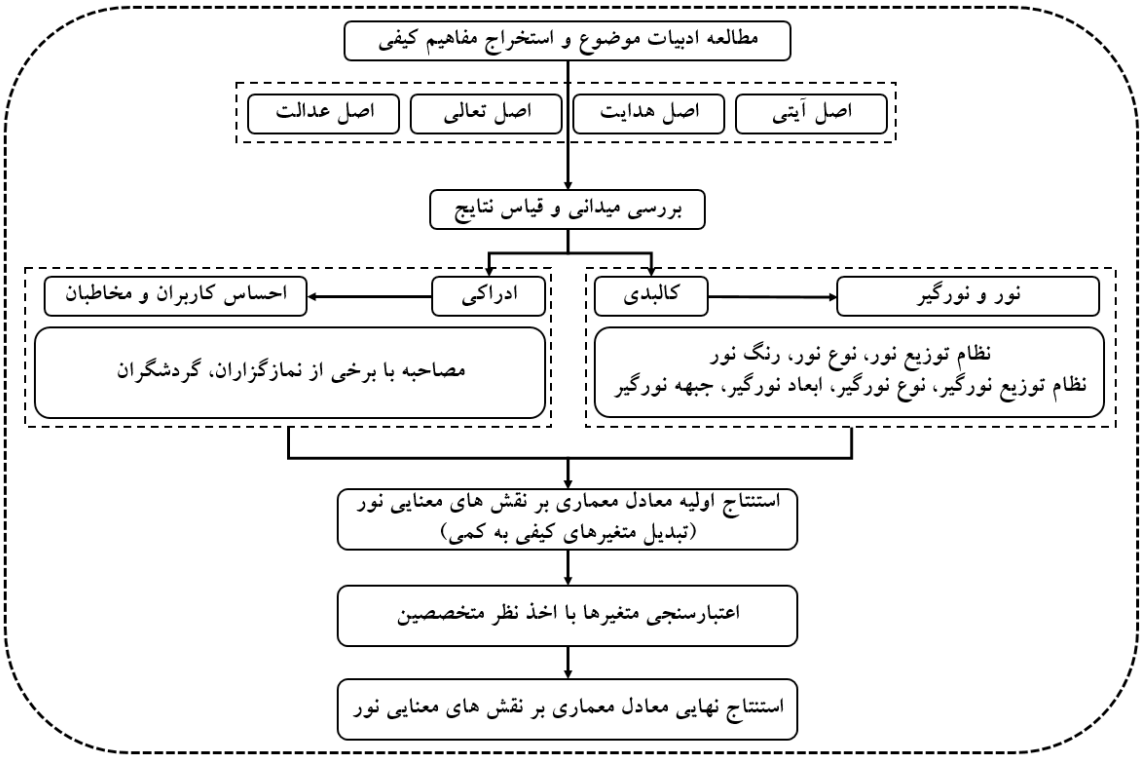

شکل ۳. مسیر نمودبخشی معمارانه به مفاهیم نور کیفی در تحقیق حاضر (نگارندگان)

اساس، می‌توان استنتاج معادل معمارانه حاصل از هر یک از مفاهیم کیفی نور را به‌صورت زیر بیان نمود:

الف) اصل آیتی: راغب اصفهانی می‌گوید: «آیه به معنای علامت آشکار ملازم با چیز پنهان است؛ به‌گونه‌ای که انسان با آگاهی از آن علامت، به چیز پنهان نیز دست می‌یابد، مانند نشانه راه که با دیدن آن، راه آشکار می‌شود» (۱۳۹۰: ۱۰۱). یکی از راه‌های شناخت خدا، شناخت او از طریق آیات او است. اهتمام قرآن برای خداشناسی از راه آیات، از آن‌رو است که بیشتر معلومات بشر در جهان، معلومات آیه‌ای هستند. بیشتر شناخت‌های ما نه حسی مستقیم و نه علمی تجربی هستند، بلکه احساس ما به آیه‌های شیء تعلق می‌گیرد؛ ولی ذهن ما همواره از راه آیات و آثار، مؤثر را در ورای آنها می‌بیند. شناخت خدا از این راه نیز برای انسان ممکن می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷: ۴۲۸). نور در کالبد مادی و در هیأت‌بخشی به معانی که در قالب هنر معماری تجلی می‌یابند، صرفاً به‌عنوان عنصر فیزیکی و مادی مطرح نبوده و سمبل عقل الهی و وجود نام برده شده است. "نور" به‌عنوان بعد مشترک میان انسان و خدا، جایگاه قابل‌توجهی بین متفکران دینی و عارفان دارد و از آنجا که نور محسوس نیز متعالی‌ترین جسم مادی تلقی شده، واسطه مناسبی بین عینیت و ذهنیت قلمداد می‌شود.

این اصل، مبتنی بر اصل یگانگی و توحید خداوند بوده و منشأ پیدایش همه امور از سوی او است؛ لذا لازم است به‌صورت طبیعی و با رنگ خالص خود وارد فضای عبادی شود. از طرفی دیگر، با توجه به این‌که این نور زمینی نیست، لذا لازم است بازشوها در ارتفاعی بالاتر از چشم‌انداز انسانی باشند. عرفا در مورد مقام ذات بر این باور هستند که مرحله کنه و حقیقت ذات خداوند از دسترس اندیشه بشر خارج است؛ به همین جهت در عرفان، از مرتبه ذات تعبیر به غیب‌الغیوب می‌شود؛ یعنی غایب و مخفی که از آن غایب‌تر نیست (یزدان پناه، ۱۳۸۸: ۲۹۷) و این امر می‌طلبد که منبع نور از دید کاربر، مخفی یا بالاتر از تراز ارتفاعی چشم بوده و حضور آن در فضای عبادی، به‌صورت غیرمستقیم باشد. اندیشمندان از اهل عرفان بر این باور هستند که خداوند به‌لحاظ تجلیات نیز دارای مقامات متعدد است؛ لذا می‌توان با نظام‌بندی مشخص نورگیرها چه در دیوارها و چه در سقف، یک کل واحد به‌وجود آورد و یا با جلوه‌های رنگی متعدد نور سفید در فضای عبادی، این مهم را نمودار ساخت. بنابراین می‌توان در نمودبخشی معمارانه به اصل آیتی، نور، نوع نور، رنگ نور، نوع نورگیر، ابعاد نورگیر، جبهه نورگیر و نظام توزیع نورگیر را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

ب) اصل هدایتگری: هدایت، فقط از آن خدا است. فقط او است که امکان هدایت برای آدم‌ها را فراهم می‌کند. نشان دادن راه دست‌یابی به مقصد که به آن "ارائه الطریق" می‌گویند و رساندن راهیان به هدف که آن را "ایصال به مطلوب" می‌نامند. در اصطلاح نیز هدایت، برخورداری موجود از کمالی است که با نظم خاص و صحیحی به آن برسد؛ به دیگر سخن، برقراری ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را "هدایت" می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۳۱). در خصوص اهمیت حرکت و جهت در فضای عبادی باید گفت که جهت‌یابی در مکان، برای انسان حس امنیت را که در مقابل گمشدگی است، القا می‌نماید. تقویت حس جهت‌یابی که یکی از عناصر باشیدن و سکنی‌گزینی و رسیدن به روح مکان از دیدگاه شولتز (۱۳۸۸) است، با به‌کارگیری عنصر مقدس نور در فضای معنوی مساجد به‌وجود می‌آید. نور با تعیین جهت در فضا، هویت مکانی به آن اعطا نموده و حس تعلق مکانی (سکنی‌گزینی و احساس امنیت) را بیش از پیش در ذهن و روان مخاطب نمایان‌تر می‌کند. بر مبنای آیات بررسی‌شده در باب مفهوم نور در این تحقیق، هدایت الهی، ویژگی‌های "دائمی بودن"، "تدریجی بودن" و "هدفمند بودن" را دارد.

هدایت و طی مراتب را می‌توان در جهت و میزان نور متجلی نمود. طی طریق از ماده آغاز شده و به معنا دست می‌یابد و لذا قابل‌شهود بودن حوزه مادی برای طی مراتب بالاتر، به‌عنوان آغاز مسیر هدایت از ظاهر به باطن، لازم است. در این راستا، طی مسیر از فضایی کم‌نور به پرنور، وجود سلسله مراتب را در ذهن مخاطب تشدید کرده و نمودی از هدایت به مراتب بالاتر را متجلی می‌نماید؛ این امر، با هدایت تدریجی الهی مطابقت دارد.

پرتو نور طبیعی چنانچه به‌صورت مستقیم وارد فضای عبادی شود، مخاطب در حال عبادت را بهتر با خود درگیر می‌نماید. این امر که با جهت‌گیری مناسب بازشو مرتفع می‌شود، طبیعتاً از جبهه‌ای در خور توجه خواهد بود که صرفاً جنبه روشنایی نداشته و به جهت و راستای مقدس در فضا اشاره داشته باشد. بنابراین جداره جنوبی و رو به قبله نیز در ساعات عبادت مقرر روزانه، می‌تواند پارامتر مؤثری تلقی شود. از آنجا که هدایت الهی دائمی است، لذا وجود نورگیر در سقف بنا و یا وجود حیاط در مرکز بنا که در همه ساعات بتواند نور طبیعی را به داخل فضا بکشاند، واجد ارزش خواهد بود. نظام توزیع هدفمند نورگیرها در فضای عبادی نیز می‌تواند به هدفمندی هدایت الهی اشاره داشته باشد. بنابراین می‌توان در نمودبخشی معمارانه به اصل هدایت، نور، نظام توزیع نور، نوع نورگیر، جبهه نورگیر و نظام توزیع نورگیر را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

ج) اصل تعالی: این اصل در فضای عبادی زمانی اتفاق می‌افتد که ارتباط عمیق‌تری بین عبد و معبود برقرار شود و حصارهای فیزیکی فضای عبادی از دیدگان کاربر برچیده شده و همه فضا برای او مالامال نور شود و به‌عبارت‌دیگر، عروج روحانی در فضا صورت پذیرد. مهم‌ترین اصل در عینیت‌بخشی به مفهوم عروج، تعالی نگاه است؛ چرا که اوج در ادراک انسان، در ارتفاعی بالاتر از مقیاس انسانی معنا می‌یابد و لذا دارا بودن ارتفاعی شاید آسمانی برای بازشو در تجلی مفهوم عروج در ذهن مخاطب، امری لازم تلقی می‌شود. ارتفاعی آسمانی برای بازشو و یا قرارگیری لایه حجاب در کالبد نورگیر، باعث قطع ارتباط بصری با جهان مادی می‌شود. در کنار این امر، ابعاد بازشوها نیز مهم جلوه می‌نمایند. از آنجا که دستگاه ادراکی انسان «تعرف الاشیاء باضدادهم» (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۴۳) است، وجود سایه در کنار نور ضروری به‌نظر می‌رسد تا توجه انسان را به‌صورت ناخودآگاه به نور جلب نماید (سایه نمادی است از زندگی؛ سایه درخت یکی از نعمت‌های وعده داده شده در بهشت است) در نتیجه لازم است ابعاد بازشوها کوچک باشند؛ چون که علاوه بر قطع ارتباط بصری با محیط بیرون، باعث تضاد نوری بیشتری در فضا می‌شوند و کاربر، حضور نور را بیشتر احساس نموده و ارتباط بهتری را با معبود خود برقرار می‌کند. چرا که ابعاد بزرگ‌تر، تضادهای کمتری ایجاد نموده‌اند و نتیجه حاصل از وجود آنها عمدتاً روشنایی خواهد بود و نه انعکاس پرتوی از نور. توزیع هدفمند نورگیرها در فضای عبادی می‌تواند به تعالی‌بخشی روح انسان کمک وافری نماید. لذا برای تحقق این اصل در فضای عبادی، نظام توزیع نورگیر، نوع نورگیر، ابعاد نورگیرها و جبهه نورگیر، نقش مؤثری را ایفا خواهند نمود.

د) اصل عدالت: از دیدگاه قرآن کریم، عدل در سراسر نظام آفرینش جاری بوده و نسبت به همه موجودات و همه هستی از آن جهت که فعل خداوند متعال است، جریان دارد. به تعبیر قرآن کریم، هم نظام طبیعت و هم نظام ملکوت، عادلانه است؛ «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵). بنابراین سبب پویایی عدل در سراسر هستی چه در نظام تکوینی و چه در نظام تشریع، خداوند متعال خواهد بود. از نظر نگارندگان، مفهوم عدالت این است که در فضای عبادی، توزیع نور در طول سال متعادل بوده و هر قسمت از فضای عبادی متناسب با نوع عملکردی که می‌پذیرد، نور مورد نیاز خود را داشته باشد. طبیعتاً نظام قرارگیری بازشوهای دیواری و سقفی، در نحوه توزیع نور در فضا و پذیرش عملکرد متناسب با نور دریافتی، مؤثر خواهند بود. در این میان، نباید از نقش فعال حیاط در نوررسانی به فضاهای کناری خود غافل بود. حضور تقارن در فضا و همچنین تقارن در آرایش نورگیرهای سقفی یا دیواری، در درک تعادل بصری محیط توسط کاربر، از ملزومات تحقق این مهم در فضای عبادی است. لذا برای نمود این اصل در کالبد فضای عبادی، نظام توزیع نور و نظام توزیع نورگیر، نقش مؤثری را ایفا می‌نمایند. شکل ۴، دیاگرام استنتاج متغیرهای -وابسته و مستقل- پژوهش حاضر را نمایش می‌دهد.

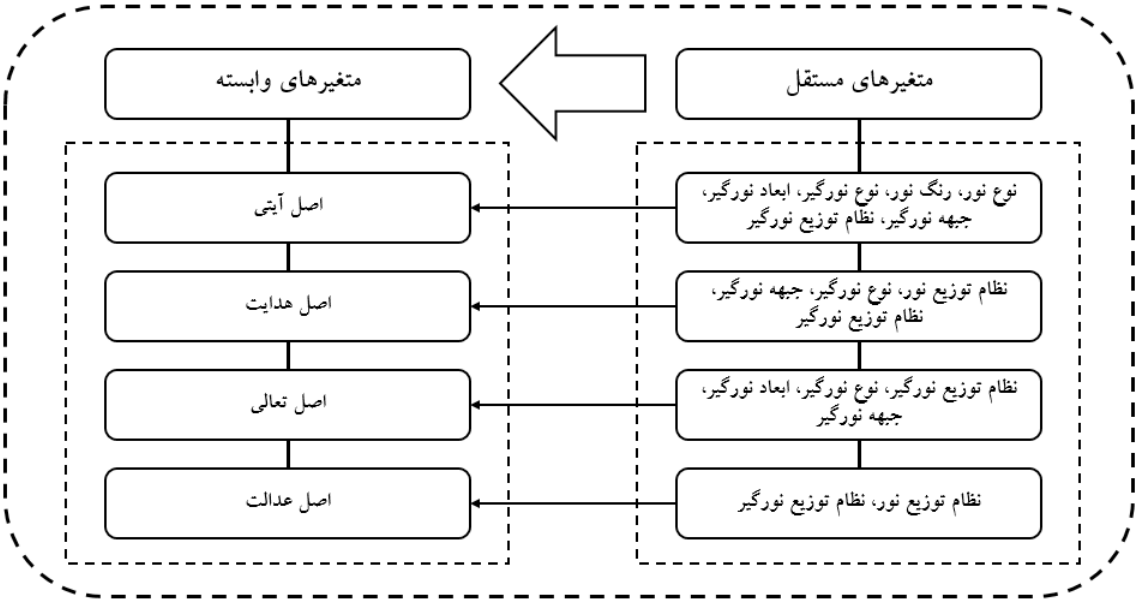

شکل ۴. متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق حاضر (نگارندگان)

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

بخش اول: ارزیابی مفاهیم مستخرج برای واژه "نور" از آیات قرآنی

جهت ارزیابی مفاهیم مستخرج شده، از روش دلفی استفاده می‌شود. استفاده از دانش و دیدگاه تخصصی یک مجموعه در تصمیم‌گیری پیرامون مسائلی که ماهیت کیفی دارند، بسیار راه‌گشا است. تکنیک دلفی، یکی از روش‌های کسب دانش گروهی است که در تصمیم‌گیری پیرامون مسائل کیفی نیز کاربرد دارد. در پژوهش‌های کیفی که جنبه اکتشافی دارند و شناسایی ماهیت و عناصر بنیادین یک پدیده، محور مطالعه است، می‌توان از تکنیک دلفی استفاده کرد. تکنیک دلفی به‌صورت یک رویکرد تحقیقی جهت به‌دست آوردن اجماع، با استفاده از یک سری از پرسش‌نامه‌ها و ارائه بازخورد به شرکت‌کنندگانی که در حوزه‌های کلیدی دارای تخصص هستند، تعریف می‌شود. به‌عنوان یک اصل فلسفی، فرض بر این است که روش دلفی بر پایه یک باور محکم، بر عملکرد تجربه و قضاوت انسانی، به‌عنوان پایه و اساس حقیقت استوار است. روشن است که دلفی، بر پایه دانش تجربی شرکت‌کنندگان قرار دارد؛ از این‌رو می‌تواند نشانگر صلاحیت علمی یافته‌ها باشد. نگارندگان برای این منظور، پرسش‌نامه‌ای چهار سؤالی به‌صورت ساختارمند و بسته پاسخ را تدوین کرده و به‌صورت تصادفی بین افراد متخصص در دانشگاه و حوزه توزیع نمودند. لازم به ذکر است که در روش دلفی، اندازه مشخصی برای تعیین نفرات گروه خبرگان معین نشده و به‌طور مشخص، از ۱۰ نفر تا ۱۶۸۵ نفر گزارش شده است. با این حال، نگارندگان بر اساس صلاحیت‌های علمی گروه تخصصی، تعداد نفرات مورد آزمون را ۴۲ نفر تعیین نمودند. از این تعداد، ۲۵ نفر از اساتید دانشگاهی (۲۱ نفر مرد و ۴ نفر زن با تخصص‌های؛ فلسفه و حکمت اسلامی، الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و معماری اسلامی) و ۱۷ نفر از اساتید حوزوی (۱۷ نفر مرد با تخصص‌های؛ علوم حدیث، کلام اسلامی، تفسیر و علوم قرآنی، فلسفه اسلامی و مطالعات اسلامی) هستند. کلیه اساتید دانشگاهی، دارای مدرک دکتری و اساتید حوزوی، دارای مدرک سطح ۴ حوزه هستند. در خصوص اطلاعات زمینه‌ای که از مخاطبین استخراج شده است، تفاوتی در جنسیت، سن، تحصیلات و وضعیت تأهل مشاهده نشد. به‌عبارتی‌دیگر، بین متغیرهای تحقیق و پارامترهای زمینه‌ای مذکور، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

در خصوص مفهوم اجماع در روش دلفی، نظرات متفاوتی مطرح هستند؛ برخی معتقد بوده که در موضوع مورد بررسی، باید توافق ٪۱۰۰ حاصل شود، برخی توافق ٪۵۵ را پیشنهاد کرده، عده‌ای اجماع در نتایج را اجماع دانسته و عده‌ای نیز به توافق اکثریت شرکت‌کنندگان اعتقاد دارند. در مقابل، عده‌ای نیز اجماع را بر اساس توافق درباره ثبات، در پاسخ‌های داده‌شده بین دورها تعیین کرده و برخی نیز اصولاً تفسیر اجماع را بر عهده خواننده می‌گذارند (پاشایی‌زاد، ۱۳۸۶: ۷۰ و ۷۱). جهت اجماع در تحقیق حاضر، داده‌های به‌دست آمده از جامعه خبرگان، در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ وارد شده و سپس به‌صورت توصیفی و استنباطی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. در سطح استنباطی، جهت تعیین وجود یا عدم وجود ارتباط معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش، از آزمون ناپارامتری خی دو، تک متغیره یا آزمون برابری نسبت‌ها استفاده می‌شود. این آزمون، برای مشخص نمودن وجود یا عدم وجود یک گروه غالب از بین چندین گروه مورد مطالعه، به‌کار گرفته می‌شود. فرض برابری نسبت‌ها در صورتی رد خواهد شد که سطح معنی‌داری آزمون، کوچک‌تر از ۰٫۰۵ باشد. با رد فرض صفر، گزینه یا گزینه‌هایی که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده، معرف گروه غالب هستند. جدول ۳، آزمون خی دو مربوط به مفاهیم یادشده را بعد از وارد کردن داده‌ها در نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد.

اطلاعات مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهند که با درجه آزادی ۳، عدد خی‌دو به‌دست آمده برای هر مفهوم، از جدول استاندارد خی‌دو بزرگ‌تر است (مقدار خی‌دو با ضریب اطمینان

جدول ۳. آزمون خی دو مربوط به مفاهیم کیفی نور

گویه	فراوانی	مقدار خی دو	درجه آزادی	درجه معناداری
اصل آیتی	۲۲	۱۷٫۰۴۸	۳	۰٫۰۰۱
اصل هدایت	۲۱	۱۴٫۰۰۰	۳	۰٫۰۰۳
اصل تعالی	۲۲	۱۶٫۸۵۲	۳	۰٫۰۰۱
اصل عدالت	۲۶	۳۰٫۵۷۱	۳	۰٫۰۰۰

(نگارندگان)

۰/۰۵ و درجه آزادی ۳ برابر ۷/۸۱۵ است)؛ لذا فرض صفر رد می‌شود. لازم به ذکر است که درجه معنی‌داری هر یک از مفاهیم مذکور نیز کوچک‌تر از ۰/۵۰ است. بنابراین، با تأیید مفاهیم مطرح‌شده توسط نگارندگان از سوی جامعه خبرگان (دانشگاهی و حوزوی)، می‌توان نسبت به معادل‌سازی عینی و سنجش این مفاهیم در فضای عبادی اقدام نمود.

بخش دوم: ارزیابی معادل کمی برای مفاهیم کیفی "نور" در فضای عبادی

به‌منظور ارزیابی معادل‌های مطرح‌شده، پرسش‌نامه‌ای تنظیم شد. این پرسش‌نامه شامل ۱۶ سؤال بوده که برای آزمون مفاهیم کیفی نور ساخته شده است. به‌منظور درک بهتر مخاطبین، پاسخ به سؤالات با توضیح همراه بوده و در صورت لزوم، تک به تک سؤالات برای پاسخ‌دهندگان واکاوی شده است. لازم به ذکر است که در پرسش‌نامه، از مخاطبان خواسته شده به دافعه نور در تابستان و جاذبه آن در زمستان توجه ننمایند. مشخصات کلی پرسش‌نامه تحقیق، به قرار جدول ۴ است.

این پرسش‌نامه، در طیف لیکرت تدوین شده است که به‌صورت کاملاً موافقم (۵ نمره)، موافقم (۴ نمره)، نظری ندارم (۳ نمره)، مخالفم (۲ نمره) و کاملاً مخالفم (۱ نمره) نمره‌گذاری می‌شود. برای تعیین روایی محتوایی، این پرسش‌نامه در اختیار ۶ متخصص (۲ نفر با تخصص روان‌شناسی، ۲ نفر با تخصص معارف و الهیات اسلامی و ۲ نفر با تخصص معماری فضاهای مذهبی) قرار گرفت و پس از اعمال نظر آنها در خصوص حذف، اضافه و اصلاح سؤالات، روایی محتوایی پرسش‌نامه حاصل شد. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه، یک مرحله پیش‌آزمون انجام گرفت و طی آن، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در جامعه مورد نظر (مساجد دوره قاجاریه شیراز) توزیع و جمع‌آوری شدند و پس از وارد کردن داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) محاسبه شد؛ ضریب مورد نظر برای پرسش‌نامه محقق‌ساخته ٪۸۸ تعیین شد که نشان از پایایی بالای سؤالات و صحت مناسب یافته‌های پژوهش دارد. به‌منظور ارزیابی نهایی و آزمون فرضیه‌ها (مطالعه نظر کاربران)، ابتدا جامعه آماری و حجم نفرات مورد آزمون را تعیین کرده و از فرمول کوکران، تعداد نفرات لازم جهت تکمیل پرسش‌نامه را در هر یک از مساجد به‌دست می‌آوریم. بر اساس آمار به‌دست آمده توسط محقق، تعداد نفراتی که در طول یک روز جهت انجام نماز ظهر و عصر (چه به‌صورت فرادا و چه به‌صورت جماعت) از مساجد مربوطه استفاده کرده، ۱۸۰ نفر هستند. در نتیجه بر اساس فرمول کوکران، جامعه آماری تحقیق حدود ۱۱۸ نفر تعیین شده که به‌صورت جدول ۵، برای هر یک از مساجد مورد نظر مشخص می‌شود.

جدول ۵. درصد نفرات مورد آزمون در جامعه آماری تحقیق

ردیف	نام مسجد	حداکثر استفاده‌کنندگان (نفر)	تعداد نفرات مورد آزمون	درصد نفرات مورد آزمون	جمع درصد نفرات
۱	نصیرالملک	۶۰	۴۳	۳۶,۴۵	۳۶,۴۵
۲	مشیرالملک	۴۵	۲۷	۲۲,۹۰	۵۹,۳۵
۳	میرزا هادی	۱۵	۱۳	۱۱,۰۰	۷۰,۳۵
۴	سیاوشان	۳۵	۲۰	۱۶,۹۵	۸۷,۳۰
۵	بغدادی	۲۵	۱۵	۱۲,۷۰	۱۰۰
جمع		۱۸۰	۱۱۸	۱۰۰	

(نگارندگان)

جدول ۴. مشخصات کلی پرسش‌نامه تحقیق

ابزار تحقیق در حوزه مطالعه میدانی	تعداد سؤالات	مقیاس جامعه آماری	متغیرهای مورد ارزیابی	تعداد سؤالات
پرسش‌نامه	۱۶	۱۱۸	اصل آیتی	۶
			اصل هدایت	۴
			اصل تعالی	۴
			اصل عدالت	۲
جمع	۱۶	۱۱۸	-	۱۶

(نگارندگان)

بعد از توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ شده و با لحاظ نمودن ضریب اطمینان ۹۵ درصد، نرمال بودن داده‌ها بررسی شدند. با توجه به این‌که p-value یا Sig. بزرگ‌تر از ۰,۰۵ به‌دست آمد (Sig.=۰.۲۰۰)، در نتیجه توزیع داده‌ها نرمال بوده و می‌توان در تحقیق، از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود.

در این تحقیق، ۱۹,۵ درصد افراد مورد مطالعه (۲۳ نفر)، زن و ۸۰,۵ درصد (۹۵ نفر)، مرد هستند که نشان می‌دهد بیشترین فراوانی، مربوط به افراد مذکر است. در حوزه تحصیلات، ۱۴ درصد زیر دیپلم، ۲۹,۵ درصد دیپلم، ۱۱ درصد فوق دیپلم، ۳۲,۵ درصد لیسانس و ۱۳ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند که بیشترین فراوانی، مربوط به افراد با مدرک لیسانس است. میانگین سن افراد مورد مطالعه، ۳۱,۲۵ بوده؛ به‌طوری که حداقل سن، ۱۹ و حداکثر آن، ۷۸ است. در خصوص اطلاعات زمینه‌ای که از مخاطبین استخراج شده است، تفاوتی در جنسیت، سن، تحصیلات و مساجد مشاهده نشد. به‌عبارتی‌دیگر، بین متغیرهای تحقیق و پارامترهای زمینه‌ای مذکور، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. یکی از آزمون‌های پارامتریک در داده‌های نرمال آماری، آزمون t مستقل است. این آزمون، برای مقایسه میانگین یک گروه با میانگین جامعه یا میانگین فرضی (که در این تحقیق، ۵۰ درصد مشخص شده است) به‌کار گرفته می‌شود. بر اساس این آزمون، انتظار می‌رود بیش از پنجاه درصد افراد مورد آزمون[۳]، فرضیات محقق را تأیید نمایند. برابر با اطلاعات جدول ۶، مشاهده می‌شود که ۷۶,۰۵ درصد پاسخ‌گویان، نمره بالای میانگین عددی ۵۰ را به سؤالات داده‌اند و این نشان‌دهنده تأیید مخاطب به یافته‌های نگارندگان است که هدف این تحقیق بود. از طرفی، در تک تک متغیرها نیز این عدد، بالای نمره میانگین ۵۰ است که مورد تأیید بودن متغیرهای پژوهش را اثبات می‌نماید.

همچنین به‌منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق، از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۷ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری به‌دست آمده برای دو به دوی متغیرها، برابر با ۰,۰۰۰ بوده و بین آنها رابطه وجود دارد.

جدول ۸ نیز رابطه بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. برابر با جدول ۸، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که ضریب هم‌بستگی اصل تعالی با سایر اصول، با شدت بالاتر و از نوع مستقیم است؛ به سخن دیگر، می‌توان این‌گونه بیان نمود که شرط لازم و کافی برای معنویت‌بخشی به فضای عبادی توسط نور (روز)، حضور تعالی‌گونه "نور" در فضای عبادی است.

جدول ۶. میانگین امتیاز متغیرهای تحقیق

مفاهیم کیفی نور	تعداد افراد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
اصل آیتی	۱۱۸	۷۵,۳۳	۱۴,۰۱	۲,۵۵
اصل هدایت	۱۱۸	۷۶,۰۰	۱۵,۲۲	۲,۷۷
اصل تعالی	۱۱۸	۷۰,۶۶	۱۹,۷۳	۳,۶۰
اصل عدالت	۱۱۸	۸۲,۲۲	۱۳,۹۳	۲,۵۴
کل سؤالات	۱۱۸	۷۶,۰۵	۱۲,۰۱	۲,۱۹

(نگارندگان)

جدول ۷. معنی‌داری متغیرهای تحقیق

مفاهیم کیفی نور	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف	
				کمینه	بیشینه
اصل آیتی	۱۱۷	۰,۰۰۰	۲۵,۳۳	۲۰,۰۹۹۹	۳۰,۵۶۶۸
اصل هدایت	۱۱۷	۰,۰۰۰	۲۶,۰۰	۲۰,۳۱۵۸	۳۱,۶۸۴۲
اصل تعالی	۱۱۷	۰,۰۰۰	۱۹,۶۶	۱۲,۲۹۶۸	۲۷,۰۳۶۵
اصل عدالت	۱۱۷	۰,۰۰۰	۲۵,۵۵	۲۰,۳۵۳۹	۳۰,۷۵۸۲
کل سؤالات	۱۱۷	۰,۰۰۰	۲۲,۴۰	۱۷,۹۲۰۶	۲۶,۸۹۵۸

(نگارندگان)

جدول ۸. ارتباط متغیرهای پژوهش

		اصل آیتی	اصل هدایت	اصل تعالی	اصل عدالت	کل سؤالات
اصل آیتی	ضریب پیرسون معیار تصمیم تعداد جامعه آزمون	۱ ۱۱۸				
اصل هدایت	ضریب پیرسون معیار تصمیم تعداد جامعه آزمون	۰,۲۱۰ ۰,۲٦٤ ۱۱۸	۱ ۱۱۸			
اصل تعالی	ضریب پیرسون معیار تصمیم تعداد جامعه آزمون	***۰,۷٤۱ ۰,۰۱۵ ۱۱۸	***۰,۷۳۸ ۰,۰۰۵ ۱۱۸	۱ ۱۱۸		
اصل عدالت	ضریب پیرسون معیار تصمیم تعداد جامعه آزمون	۰,۲۱۰ ۰,۸۵۷ ۱۱۸	۰,۲۳۷ ۰,۲۰۸ ۱۱۸	***۰,۷٤۱ ۰,۰۰۱ ۱۱۸	۱ ۱۱۸	
کل سؤالات	ضریب پیرسون معیار تصمیم تعداد جامعه آزمون	***۰,٥٦٥ ۰,۰۰۱ ۱۱۸	***۰,٦۰۹ ۰,۰۰۰ ۱۱۸	***۰,۸۸۹ ۰,۰۰۰ ۱۱۸	***۰,٦۹۸ ۰,۰۰۰ ۱۱۸	۱ ۱۱۸

(نگارندگان)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عالم هستی، مظهر و جلوه اسمای الهی است که به‌واسطه رحمت عامه خداوند، هستی یافته و هستی خود را تداوم می‌بخشد. طبیعتاً هیچ شأنی از شئون عالم را نمی‌توان یافت که از تجلی اسمای جلال و اکرام خداوند تهی باشد. مهم‌ترین وجه تمایز میان انسان با دیگر موجودات نیز در فهم و شناخت همین حقیقت و عمل مبتنی بر آن است. از این‌رو است که حیات حقیقی انسان را حیاتی علمی و ادراکی بیان می‌دارند.

قرآن کریم به‌عنوان کتابی آسمانی و معجزه پایدار جهان که کلام خداوند به‌عنوان خالق هستی، موجودات زنده و انسان بوده، منبع بزرگی از علم و حکمت برای انسان‌های اندیشمند و متفکر است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن به‌طور مکرر، انسان را به تفکر و اندیشه در خلقت و عظمت آسمان‌ها و زمین و موجودات آن و رازهای هستی توصیه می‌نماید.

قرآن کریم بیش از صد مورد، بشر را به فکر کردن، سنجیدن، پند گرفتن، توجه یافتن و تأمل کردن فراخوانده است، مانند؛ «... اِنَّ فی ذلِکَ لَایاتلِقَوْمٍ یَتَفَکَّرون ... اِنَّ فی ذلِکَ لَایات لِلْعالَمین ... اِنَّ فی ذلِکَ لَایات لِقَوْم یسمعون ... اِنَّ فی ذلِکَ لَایات لِقَوْم یَعْقِلُون» و یا می‌فرماید: «أفلایتفکّرون، أفلایتدبّرون و أفلایعقلون» و علاوه بر آن، صدها بار با اشاره به مخلوقات الهی از طرق مختلف، انسان را به تفکر در راز و رمزهای جهان توصیه می‌کند.

بر این اساس، نگارندگان با نگاهی تدبرگرایانه به قرآن کریم و با انتخاب روش‌های تحقیق مناسب، مفاهیم کیفی برای واژه "نور" را از آیات قرآنی استخراج کرده و در چهار اصل بنیادین؛ "اصل آیتی"، "اصل هدایت"، "اصل تعالی" و "اصل عدالت" تقسیم‌بندی نمودند و سپس معادل‌سازی این مفاهیم در فضای عبادی، توسط مؤلفه‌های وابسته به "نور" و "نورگیر" صورت پذیرفت. متغیرهای کمی در بررسی این پژوهش کیفی، تأثیر غیرمستقیم بر ارزش‌گذاری کیفی نور در کالبد مساجد می‌گذارند. بی‌شک تغییر در این متغیرها، بازی نور در کالبد فضای عبادی را تغییر داده و منجر به تجلی متفاوت در ذهن مخاطب خود خواهد شد. ره‌آورد نهایی مطالعه بعد از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، حاکی از آن است که کاربران، نوع نور، رنگ نور، نظام توزیع نور، نوع نورگیر، ابعاد نورگیر، جبهه نورگیر و نظام توزیع نورگیر

را در چگونگی تبلور این مفاهیم در کالبد فضای مساجد مؤثر می‌دانند. همچنین نتایج حاصله، حکایت از عدم تفاوت دید مخاطبین به موضوع پژوهش از لحاظ سن، جنس، تحصیلات، تأهل و کاربر یا گردشگر بودن آنها دارد.

پذیرش تمام نتایج مذکور توسط جامعه خبرگان (برای مفاهیم مستخرج) و کاربران و گردشگران (برای نمودهای عینی مفاهیم)، همان‌گونه که در بخش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها نیز اشاره شد، فرضیات مد نظر تحقیق حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهد. بنابراین، نتایج حاصل از این تحقیق کمک خواهند کرد که نقش این عنصر مهم در طراحی‌های امروزی، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. برخی از امتیازات تفسیر نور بدین شرح است: ۱. احتراز از اصطلاحات فنی، ادبی، فقهی، کلامی و فلسفی که فهم آن مخصوص گروه خاصی است، ۲. احتراز از تفسیر به رأی، ۳. استفاده از متون معتبر شیعی و سنی، ۴. بهره‌مندی از ساختار ابتکاری و جالب توجه ارائه مطالب ذیل هر آیه شامل متن آیه، ترجمه، نکته‌ها، پیام‌ها و پاورقی‌های آیه، ۵. رویکرد عمومی این تفسیر، روش تفسیر قرآن به قرآن که از جمله معتبرترین روش‌های تفسیری قرآن بوده، است.

۲. برخی از امتیازات تفسیر راهنما بدین شرح است: ۱. بهره‌مندی از طبقه‌بندی موضوعی، ۲. بهره‌گیری از منابع معتبر و متعدد تفسیری در چارچوب اصول پذیرفته‌شده، ۳. بهره‌گیری از معیارهای قرآنی در فهم قرآن، ۴. تلاش در داشتن جامعیت نگاه نسبت به مسائل ادبی، اخلاقی، عرفانی، فقهی و ...، ۵. توجه به روایات در تفسیر قرآن همراه با نگاه نقادانه نسبت به صحت و هم‌خوانی آنها با متن قرآن و فرهنگ دینی، ۶. بهره‌گیری از نمایه‌ها به دو شکل-در پایان آیه و پایان هر جلد- به‌منظور تسهیل دست‌یابی به معارف مرتبط و پژوهش موضوعی در قرآن، ۷. معاصر بودن تفسیر.

3. Test value

منابع و مآخذ

- **قرآن کریم** (۱۳۸۵). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ هشتم، تهران: فرهنگ.
- احمدخانی ملکی، بهرام (۱۳۹۵). **"مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی حضور نور روز در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت‌بخشی به فضا"**. رساله دکتری، معماری اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵). **تحلیل محتوا**. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنیدوزی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پاشایی‌زاد، حسین (۱۳۸۶). نگاهی اجمالی به روش دلفی. *پیک نور*، سال ششم (۲)، ۸۹-۶۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). **هدایت در قرآن**. چاپ سوم، قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۶). **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**. چاپ دوم، قم: اسراء.
- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۳۹۰). **مفردات الفاظ قرآن کریم**. ترجمه حسین خداپرست، چاپ هفتم، قم: نوید اسلام.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ ق.). **البرهان فی علوم القرآن**. چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
- شریفی، علی (۱۳۹۴). **معناشناسی قرآن در اندیشه شرق‌شناسان**. چاپ اول، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷). **تفسیر المیزان**. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ ششم، قم: رجاء.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). **تفسیر نور**. چاپ ششم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). **مجموعه آثار**. چاپ چهارم، تهران: صدرا.
- نقیب، عبدالرحمان (۱۳۸۹). **روش‌شناسی تحقیق در تعلیم و تربیت؛ رویکردی اسلامی**. ترجمه بهروز رفیعی، چاپ دوم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۸). **معماری: معنا و مکان**. ترجمه ویدا نوروزی، چاپ اول، تهران: جان جهان.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۷). **تفسیر راهنما**. چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- یزدان‌پناه، یدالله (۱۳۸۸). **مبانی و اصول عرفان نظری**. چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

Received: 2017/12/12
Accepted: 2019/03/03

Qualitative Concept Elucidation of the Word "light" from Quran Text and Transferring It to the Devotional Space Body

Farzad Heidari* **Mohammad Aliabadi****
Hosein Kalantari Khalilabad***

Abstract

The manifestation of the metaphysics of "light" on the physics of the building has placed it as the main axis of aesthetics of Islamic architecture in mysticism and meaning. Light in traditional architecture and in Islamic culture is a symbol of God and divine unity. Therefore, it has a special place in the architecture of spaces, especially religious spaces, such as mosques. Today in contemporary mosques, less attention has been paid to the subject of light as an identifying element. The purpose of this article is to identify the qualitative characteristics of light (natural) based on the Quranic texts in line with the realization of the spiritual environment. The Qur'an has a central role in relation to science and religion due to its comprehensiveness. Therefore, by keeping the appearance and inspiration of the Qur'an and paying attention to it, it is possible to penetrate into the inner layers of the Quranic concepts and use these concepts in today's knowledge. The word "light" is one of the most important words of the Qur'an and its various uses in the Quranic verses form a broad radial network. To this end, this study is composed of two parts. The first part addresses the qualitative concept elucidation of the word "light" from Quran verses using content analysis with inferential -ijtihad (scholarship) approach. The outcome of the first part is the extraction of the conceptual components of "evidence principle", "guidance principle", "justice principle" and "excellence principle". The second part addresses transferring the concepts in devotional space body. This part uses survey and correlation approaches and its result is that each of these concepts is objectively visible in the body of the mosque. Obviously, with the qualitative presence of light (natural) in the worship space, objective and subjective concepts are created in space, causing the sense of spirituality (the path from appearance to inwardness) to the audience and ultimately increasing the belonging to the holy place.

The results of this study confirm the hypothesis that the user of devotional space understands the manifestation of the above mentioned concepts in a devotional space provided that he/she observe the models specified in this study.

Keywords: The Holy Quran, Devotional Space, Contemplation, Qualitative Light, Spirituality

* PhD Student of Architecture, Architecture Department, Yasooj Branch, Islamic Azad university, Yasooj, Iran.
** Assistant Professor, Architecture Department, Shiraz University, Shiraz, Iran.
*** Associate Professor, Architecture and Urban Landscape Department, Tehran Academic Center for Culture, Art and Architecture Research, Tehran, Iran